

# طاووس برهمنی

---

زندگانی و شخصیت حضرت ولی عصر علیه السلام  
از ولادت تا ظهور، و بحث رجعت

---

محمد رضا کریمی



### طاووس بهشتیان

محمد رضا کریمی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۰

تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرهو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۶۸۰-۶

آدرس: قم، خیابان معلم، میدان روح الله، پلاک ۶۵

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۲۳۴۱۳ (۹۸۲۵۱+)

صندوق پستی ۱۵۳ - ۳۷۱۲۵

info@Dalilema.com

WWW.Dalilema.com (خرید از طریق سایت امکان پذیر است)



انتشارات دلیل ما

#### مراکز پخش:

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائییه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹، طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- ۲) تهران، خ انقلاب، فخررازی، پلاک ۶۱، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳-۵

سرشناسه: کریمی، محمد رضا، ۱۳۳۵ -

عنوان و پدیدآور: طاووس بهشتیان: زندگانی و شخصیت حضرت ولی عصر علیه السلام

از ولادت تا ظهور، و بحث رجعت / محمد رضا کریمی

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱ج. (بدون شماره گذاری)

شابک: 978 - 964 - 397 - 680 - 4

یادداشت: فیبا

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- کرامت‌ها

موضوع: مهدویت -- انتظار

موضوع: رجعت -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: رجعت، احادیث

رده بندی کنگره: ۲۱۳۸۹ ط ۲ / ۵۱ / BP

شماره رده دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۹

شماره کاتالوگ ملی: ۲۱۸۶۵۹۷

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

## الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ ١.

ترجمه: رسول خدا ﷺ فرمودند:

حضرت مهدی علیه السلام (امام دوازدهم)، طاووس بهشتیان است.

- 
١. اثبات الهداة شيخ حرّ عاملی: ج ٣، ص ٦٠٠؛ بحار الانوار: ج ٥١، ص ٩١، ح ٨؛ غایة المرام سید بحرانی: ص ٦٩٨، باب ١٤١، ح ٥٧؛ حلیة الأبرار سید بحرانی: ج ٢، ص ٦٩٦، باب ٥٤، ح ٢٠؛ فردوس الأخبار دیلمی: ج ٤، ص ٢٢٢، ح ٦٦٦٨؛ بیان گنجی شافعی، ص ٥٠١؛ عقد الدرر، ص ١٤٨، باب هفتم؛ الفصول المهمة ابن صباغ مالکی، ص ٢٩٣؛ نور الأبصار شبلنجی، ص ١٨٧؛ ینابیع المودة قندوزی حنفی، ص ١٨١، باب ٥٦؛ والعمدة ابن بطریق، ص ٤٣٩، ح ٩٢١.

إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ \*  
سَيِّدِي، قُمْ، فَمَتَى تَشْفِي صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ \*

ای ز ماه تمامه ای بلندگان فرمانت  
مسند شهناهی لایق غلامانت  
بزم لب مع اللّهی خلوتیست شایانت  
جلوه ای بکن گاهی تا شویم قربانت  
جان ز کف توان دادن لیک یار نتوان داد  
بزم غیب مکنون را اوست شاهد مشهود  
ذات حق بی چون را اوست فیض نامحدود  
عاشقان مفتون را اوست غایت مقصود  
دوستان دلخون را اوست مهدی موعود  
در قلوب مشتاقان نام نامیش جان داد  
ای حجاب ربّانی تا به چند پنهانی  
ای تو یوسف ثانی تا به کی به زندانی

گشته مُلکِ امکانی همچو شامِ ظلمانی  
جلوه کن به آسانی همچو صبحِ نورانی  
بیش از این نشاید تن زیر بار هجران داد

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالنُّصْرَ وَالْعَاقِبَةَ،  
وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَارِفِينَ بِهِ وَبِحَقِّهِ، وَمِنَ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِ،  
وَمِنَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَمِنَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ،  
وَمِنَ الْفَائِزِينَ بِلِقَائِهِ، وَخَلِّقْنَا بِأَخْلَاقِهِ،  
وَأَدِّبْنَا بِأَدَابِهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

www.ketaboon.ir

## فهرست مطالب

- پیشگفتار..... ۱۳
- امامت چیست؟ و امام کیست؟..... ۱۳
- کتاب حاضر ..... ۲۷

### فصل اول:

- اثبات وجود مبارک امام دوازدهم علیه السلام و بیان غیبت آن حضرت ..... ۲۹

### فصل دوم:

- غیبت صغری و کبری و نواب اربعه..... ۳۵
- قضیه ابوالحسن مُسْتَرْقِ ضَریر در مجلس ناصرالدوله حَمَدانی ..... ۳۹
- دعای امام عصر علیه السلام درباره جناب علی بن حسین ابن بابویه قمی علیه السلام
- « پدر بزرگوار شیخ صدوق علیه السلام توسط جناب ابوالقاسم حسین بن روح علیه السلام .... ۴۲

### فصل سوم:

- ماجرای ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام با حضرت نرجس خاتون علیه السلام ..... ۴۵

فصل چهارم:

شرح کیفیت ولادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام ..... ۵۹

فصل پنجم:

بعضی از اسماء و القاب امام عصر علیه السلام ..... ۷۱

فصل ششم:

شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و شروع امامت حضرت صاحب الزمان علیه السلام و ظهور

معجزاتی از آن حضرت علیه السلام ..... ۸۱

معجزه حضرت صاحب الامر علیه السلام به نقل مأموران معتضد ..... ۸۶

فصل هفتم:

داستان بعضی از باریافتگان ..... ۸۹

معجزه حضرت صاحب الامر علیه السلام هنگام نصب حجر الاسود ..... ۹۱

شنیدن سید ابن طاووس علیه السلام صدای مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام را در

سرداب غیبت ..... ۹۴

داستان تشرف پسر مهزبان خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام ..... ۹۴

تشرف محمود فارسی خدمت آن حضرت و تشیع محمود ..... ۱۰۲

تشرف «ابوراجح حمّامی» خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام ..... ۱۳۱

تشرف «ملا احمد معروف به مقدّس اردبیلی علیه السلام» ..... ۱۳۴

کیفیت انتفاع خلق از حضرت صاحب الامر علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۳۷

استبعاد نسبت به طول عمر حضرت صاحب الامر علیه السلام وجهی ندارد ..... ۱۴۳

فصل هشتم:

۱۴۹ ..... بزرگیت حضرت ولئی عصر علیه السلام

فصل نهم:

۱۷۱ ..... وظائف مؤمنین در زمان غیبت

فصل دهم:

۱۹۷ ..... حقیقت انتظار

فصل یازدهم:

۲۰۹ ..... علانم ظهور صاحب الزمان علیه السلام

۲۱۲ ..... علانم عامه

۲۱۶ ..... علانم خاصه مجمل

۲۱۷ ..... علانم خاصه معلوم و مبین و غیر حتمی

۲۱۸ ..... علانم خاصه معلوم و مبین و حتمی که بقاء بردار نیست

۲۲۰ ..... شرح و تفصیل علانم حتمیه پنجگانه

۲۲۰ ..... ۱- خروج سفیانی لعنة الله علیه

۲۲۶ ..... ۲- حُشَف و فرورفتن زمین و بلعیدن آن در بیداء

۲۲۷ ..... ۳- صیحه آسمانی

۲۳۰ ..... ۴- خروج یعانی

۲۳۱ ..... ۵- قتل نفس زکیه



فصل دوازدهم:

- ۲۳۳ ..... اثبات رجعت
- ۲۳۶ ..... آیاتی از قرآن که به «رجعت» تفسیر شده است
- ۲۴۰ ..... روایات انمة اطهار علیهم السلام درباره «رجعت»

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين،  
وآله الطاهرين، ولا سيما الكهف الحصين وغياب المضطر  
المستكين وخاتم الوصيين، نور ابصار الوري وخير من تقمص  
وارتدى، الذي يملأ الأرض عدلاً وقسطاً، بعد ما ملئت ظلماً  
وجوراً، الحجة ابن الحسن المهدى، عجل الله تعالى فرجه الشريف،  
وجعل ارواحنا و ارواح العالمين فداءً لتراب مقدمه المنيف، ولعنة الله  
ولعنة ملائكته وانبيائه واوليائه على أعدائهم أجمعين

### - پیشگفتار -

■ امامت چیست؟ و امام کیست؟

«امامت» در لغت به معنای «پیشوایی»، و در اصطلاح دین ریاستی  
است عمومی بر جمیع افراد امت، در تمام امور دین و دنیا، به حساب  
نیابت و خلافت از رسول خدا ﷺ.

قهراً پس از آنکه شخص امام معین شد، اطاعتش در همه چیز بر همه کس واجب و لازم است مانند وجوب و لزوم اطاعت از رسول. شیعه و اهل سنت هر دو، امامت را به همینگونه تعریف کرده‌اند.<sup>۱</sup> نتیجه این تعریف این است که: «امام» انسانی است که جانشین رسول خدا ﷺ بوده و از او نیابت می‌کند، و در ریز و درشت امور دین و دنیا، جمیع افراد امت بدون چون و چرا باید از او اطاعت نمایند.

آنچه بیان شد منصب ظاهری امام است که مقام فرماندهی او و فرمانبرداری امت را از او دربردارد، که می‌توان از آن به «امامت تشریحی» تعبیر نمود.

و آنچه خلفاء جور و غاصبین مقام جانشینی رسول خدا ﷺ با مکر و حيله و دسیسه‌های قبلی در جابول آن همداستان و یاور گردیدند، این مقام و منصب است.

ولی «امام» را شأن و مقام دیگری است که اساساً آن شأن در دسترس کسی قرار ندارد تا بتواند متعرض آن شده و آن را به یغما برد.

حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام تعبیرات والا و اعجاب‌انگیزی در تبیین این منصب «امام» می‌فرمایند که در مسطوری که در پیش است فراهائی از آن فرمایشات مذکور خواهد شد.

آن حضرت در یکی از تعبیراتشان، عدم امکان وصول به کنه ذات «امام»، و عدم امکان تعرض به این حیثیت از مقام «امام» را بدینگونه

۱. نهج المتمدین علامه حلی، ص ۶۲: اللوامع الإلهیة فاضل مقداد، ص ۲۵۴، و شرح المقاصد تفتازانی: ج ۵، ص ۲۲۲.

تبیین می‌فرمایند:

وَهُوَ بِحَيْثُ النَّجْمُ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاوِلِينَ وَوَصَفِ الْوَاصِفِينَ.<sup>۱</sup>  
 ترجمه: جایگاه بلند «امام» و عدم امکان وصول به کنه ذات او - که قهراً منشأ می‌شود برای عدم امکان تعرض به مقامات معنوی آن سرور - به مثابه مقام اختران است نسبت به کسانی که با دست دراز کردن، هوای دست رساندن به اختران را در سر می‌بروراند، و با قَلت بضاعت علمی از اوضاع و موقعیت کیهانشانها، در صدد توصیف آنها، و نقشی سازنده‌ای که در عوالم مادون خودشان دارند برمی‌آیند و معلوم است که چنین کاری بسیار سفیهانه و دور از خرد خواهد بود.

مقام و منزلت «امام» و تأثیر این قطب دایره وجود نسبت به آنچه که در سراسر گیتی موجود است، و اینکه موجودی یافت نمی‌شود که بتواند نقش این اعجوبه خلقت و پرداخته شده کارگاه الهی را ایفاء نماید به گونه‌ای است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در باره اش می‌فرماید:

الْإِمَامُ وَاجِدٌ دَهْرِهِ، لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ، وَلَا يُغَادِيهِ غَالِمٌ، وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ، وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ، مَخْصُوصٌ بِالْمُفْضَلِ كُلِّهِ، مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اكْتِسَابٍ، بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضَلِ الْوَهَّابِ.<sup>۲</sup>

ترجمه: امام و جانشین پیامبر یگانه روزگارش می‌باشد.

۱. اصول کافی: ج ۱، ص ۲۰۱، جاب ۸ جلدی، دارالکتب الاسلامیه.

۲. همان مدرک.

و کسی (در علو جاه و مقام) به او نمی‌رسد، هیچ دانائی (در دانائی و علم) با او برابری نتواند، و کسی که بتواند کار او را انجام دهد یافت نمی‌شود، مانند و مشابهی برایش نیست، معدن کمالات و فضائل می‌باشد، در حالیکه این کمالات جز از ذات لایزال ذو الجلال از جای دیگری نشأت نگرفته است.

«امام» را بدین معنی، نقشی است اساسی در سراسر خلقت و دار وجود، و چون چنین است، و وجود سراسر جودش از اینگونه اوصاف برخوردار است، و لا محاله منصب تشریحش نیز تابع همین جنبه تکوینی است - که قابل تعرض و تصدی توسط کسی نیست - پس نه در جنبه امامت ظاهریش، و نه در افق ولایت تکوینیش هیچگاه و در هیچ مقطعی از مقاطع وجود، کسی را نسزد که بتواند کار او را انجام دهد، چرا که:

- اوست که حجاب بین خالق و مخلوقات است،<sup>۱</sup> و نهایت سیر کمالی بندگان، و وصول به ذات مقدس او است، بلکه دیدگان عقول خالصه قبل از رسیدن به پائین‌ترین مراتب کمال ذاتش، از فرط نور ذات مقدسش، از چشم انداختن بسویش عاجز و کلیل می‌باشند،<sup>۲</sup> چرا که کنه ذاتش و صفاتش چونان خالقش نه قابل ادراک کسی است و نه به وصف درآید.<sup>۳</sup>

- اوست که فیض وجود و سایر کمالات وجودی به هر موجودی - از ثریا

۱. معانی الاخبار: ج ۱، ص ۱۴.

۲. توحید صدوق، ص ۴۲ و ۵۲.

۳. اصول کافی: ج ۱، ص ۲۰۱.

- تا ثری، و از فوق عرش و سدرة المنتهی تا پائین‌ترین مراتب وجود - از طریق او باید افاضه گردد.<sup>۱</sup>
- اوست که صندوقچه علم پروردگار است، و نقطه‌ای از نقاط عالم از منظر مشاهده علمی او مخفی نیست.<sup>۲</sup>
- اوست که بیانگر و مفسر مرادات الهیه است، و انبیاء علیهم‌السلام نیز در این مرحله طفل مکتب علم سرشار و نامنتهای او هستند.<sup>۳</sup>
- اوست که کشتی نجات همگان در امواج سهمگین بلاها و گرفتاریها بوده، و پرچم هدایت همه خلق را خداوند منان بر دوش مبارکش نهاده است.
- اوست که اگر نباشد، خلقت مخلوقات بیهوده بوده، و به همین جهت زمین که حمل‌کننده برترین اصناف مخلوقات - یعنی بنی آدم - است، اهل و ساکنین خودش را فرومی‌برد.<sup>۴</sup>
- اوست که ظلمت‌های فردی و اجتماعی به عنایت و تصرفاتش به نور مبدل می‌گردد.<sup>۵</sup>
- اوست که چون زبان به سخن گشاید صاحبان عقول راقیه و قلوب صافیه از کثرت علم و حکمت جاری بر زبان مبارکش، انگشت تعجب به دندان می‌گیرند.<sup>۶</sup>

---

۱. توحید صدوق، ص ۱۵۱، ح ۸.

۲. بحار الانوار: ج ۹۷، ص ۳۷۷، و ج ۹۸، ص ۳۳۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲، و بعائر الدرجات، ص ۱۰۴.

۴. اصول کافی: ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۵. اصول کافی: ج ۱، ص ۱۹۴.

۶. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۱، وَالنَّاطِقِي بِالْحِكْمَةِ وَالصُّدُقِي.

- اوست که خلقت، به وجود نازنینش به غایت مقصودش واصل می‌گردد.<sup>۱</sup>
- اوست که در سرای دیگر، میزان و معیار اعمال خلائق بوده، و اعمال بندگان به او سنجیده می‌شود.<sup>۲</sup>
- اوست که محبتش محبت حق تعالی است.<sup>۳</sup>
- اوست که اطاعتش اطاعت حق تعالی است.<sup>۴</sup>
- اوست که رضایتش رضایت حق تعالی است.<sup>۵</sup>
- اوست که بغض نسبت به او بغض حق تعالی است.<sup>۶</sup>
- اوست که دشمنی با او دشمنی با حق تعالی است.<sup>۷</sup>
- اوست که دشنام به او دشنام به حق تعالی است.<sup>۸</sup>
- اوست که اعراض از درگاه او اعراض از درگاه حق تعالی است.<sup>۹</sup>
- اوست که دیدگان همه انبیاء و اوصیاء علیهم السلام در انتظار رؤیت جمالش می‌باشد.<sup>۱۰</sup>

۱. حدیث شریف کساء: اِنِّیْ مَا خَلَقْتُ سِوَا نَفْسِیْ... اِلَّا لِجَلَّتْکُمْ وَتَخْتَنُکُمْ.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۹۶؛ و بصائر الدرجات، ص ۲۶۱.

۳. زیارت جامعه کبیره: مِنْ اَحَبِّکُمْ لِقَدْ اَحَبَّ اللهُ... مفاتیح الجنان، ص ۵۴۶. چاپ اسلامیة: و توحید صدوق، ص ۱۶۸، ح ۲.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۴، ح ۲۶.

۹. بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۳۹۵.

۱۰. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۲۹.

- اوست که موعود قرآن، موعود خاتم الانبیاء، و موعود اوصیاء کرام آن سرخیل سلسله رسولان علیهم السلام است.<sup>۱</sup>
- اوست که خدا به کف با کفایتش زمین را از لوث وجود ملحدین و منافقین پاکیزه فرموده، و بانگ توحید واقعی که توأم با هیچگونه شرکی نباشد، یعنی توحید در مقام الوهیت، توحید در مقام نبوت و توحید در مقام امامت و ولایت ولی الله الاعظم، در سراسر گیتی طنین انداز خواهد بود.<sup>۲</sup>
- اوست که عرصه گیتی را از صفا و بکرنگی، عدل و عدالت خواهی، رعایت حقوق همگان پر کرده، و کدورت و دورنگی، ظلم و ظلم گستری، تعدی به حقوق دیگران را از زمین و گوشه و کنار آن برطرف می کند.<sup>۳</sup>
- و بالاخره اوست که منتقم خونهای قصاص نشده محمد و آل محمد علیهم السلام که تنها و یگانه عزیزان بارگاه قرب قدس پروردگار هستند - می باشد.<sup>۴</sup>
- و اوست ... و اوست ... و اوست ...

و چرا که او چنین نباشد و حال آنکه فرموده است:

وَرُوحُ الْقُدُسِ فِي جَنَّاتِ الصَّاعُورَةِ ذَاقَ مِنْ كَدَائِبِنَا  
الْبَاكُورَةِ.<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۶۵ تا ۱۵۸.

۲. اصول کافی: ج ۱، ص ۲۵۰؛ و بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۵۲ و ۵۸ و ۶۴ و ۶۶.

۳. اصول کافی: ج ۱، ص ۳۲۸ غیبت نعمانی، ص ۸۶ ح ۱۷.

۴. اصول کافی: ج ۱، ص ۴۶۵؛ بحار الانوار: ج ۴۵، ص ۲۲۱؛ امالی طوسی، ص ۴۱۸.

۵. بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۶۲ و ۲۶۴، و ج ۷۵، ص ۳۷۷.



ترجمه: جبرئیل در بهشت‌های کوچک - بهشت آسمان چهارم -  
از باغهای دست نخورده و میوه‌های نورس ما چشید.

و چرا که چنین نباشد و حال آنکه در دعاء می‌خوانیم:

يُؤْتِيهِ رُزْقَ الْوَرَىٰ وَيُجُودُهُ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.<sup>۱</sup>

ترجمه: به میمنت و برکت وجود او همه بندگان روزی می‌خورند،  
و به سبب وجود مقدس اوست که زمین و آسمانها بریاست.

و چرا که چنین نباشد و حال آنکه در ضمن درود فرستان بر وجود  
مقدسش چنین اظهار می‌داریم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ،  
الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَانِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ  
تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ،  
وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ،  
وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَنْصَحْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ  
بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ،  
وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ،  
وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ.<sup>۲</sup>

ترجمه: بارخدا یا! درود بفرست بر محمد بیته و خاندان نبوتش،  
(آنانکه) امامانی پاکیزه بوده، صاحبان علم که در مدعايشان

۱. مفاتیح الجنان، ص ۸۵، دعاء عدیله.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۷؛ جمال الاسبوع، ص ۴۴۴؛ ومصباح المتهجد، ص ۴۰۶.

راستگو هستند، نیکوکارانی که از هر گونه انحراف و لغزشی دوری گزیده می‌باشند، و (آنانکه) بنیانهای دین تو، و اساس ریشه‌های پرستش تو به یگانگی، و بیانگر آنچه بر بندگان برگزیده‌ات فرستاده‌ای می‌باشند، و (آنانکه) حجت‌های تو بر بندگان، و جانسینان تو در زمین هستند، آنچنان ذوات مقدسی که آنان را برای خود برگزیدی، و به عنوان متخبین خودت بر بندگان ولایتشان دادی، و (آنانکه) در تبلیغ راه و روشی که تأمین سعادت بندگان را نماید به آنان راضی شده و امین بر دینت و دستوراتت قرارشان دادی، و (آنانکه) در معرفت نسبت به خودت به آنان بهره‌ خاصی عطاء فرمودی که در سایه آن عطاء و مرحمت به گونه دیگری که در استطاعت سایر مخلوقات نیست تو را شناخته و عبادت نمایند، و به احسان و بخششی که در حقیقت فرمودی مقامشان را بزرگ داشتی، و (آنانکه) در درجای رحمت نامتتهای خودت غوطه‌ورشان ساختی، و خودت با ریزش باران نعمت‌های بی‌زوالت متکفل تربیت آنان گردیدی - فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا، وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا<sup>۱</sup> ما پرداخته دست ذات اقدس ربوبی بوده و دیگران در مرتبه‌ای مادون این مرتبه پرداخته دست ما هستند، و آنچه بدان محتاجند را باید از ما بگیرند - و (آنانکه) طعامشان را حکمت و علم مطابق با واقع خودت قرار دادی، و (آنانکه) نور خودت - که اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>۲</sup> - را بر

۱. نهج البلاغه، ص ۱۲۲، نامه ۲۸، چاپ جامعه مدرسین قم.

۲. سوره نور، آیه ۳۵.

آنان پوشاندی، و در ملکوت و مسند فرماندهی ات از مقامی بالا بهره‌مندشان ساختی، (نه اینکه چونان ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ فقط ارائه ملکوتت را به آنان فرموده باشی).

و چرا که چنین نباشد و حال آنکه هنگام بوسیدن اعتبار مقدسه او و سر تعظیم در برابرش فرود آوردن، به شکرانه این نعمت عظمی، در حالیکه از فرط شادی و نشاط در پوست خود نمی‌گنجیم، همچون کبک دری اینگونه به نغمه‌سرانی می‌پردازیم:

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ  
حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ<sup>۱</sup>.

ترجمه: و حیاست خدائی را سزااست که بر ما منت نهاد به فرمانداران و اختیاردارانی که اگر - بر فرض محال - خداوند متعال در مکانی مستقر بود، آنان قائم مقام حضرت حق بوده و این مقام جانشینی به حسب ظاهر هم ملموس همگان بود (و اکنون نیز که حضرت باری تعالی را منزه و مقدس از داشتن مکان می‌دانیم، باز این ذوات مقدسه همه گونه کارگزار حق تعالی بوده و ارادات ربوبی را در بزم امکان آنان تنفیذ می‌فرمایند، ولی این نیابت قابل ادراک با حواس ظاهری و رؤیت چشمی نیست، و سرّ اینگونه مخاطبه هم این است که ما در مکانی مشرف هستیم که در بردارنده جسم نازنین این دردانه خلقت است، و الاّ واجد بودن آن نگار نازنین چنین

مقامی را - مقام تنفیذ ارادات ربّانیه نسبت به مخلوقات - اختصاص به مکان خاصّ ندارد، بلکه در خارج از مکان و مکانیّات جاری و ساری است).

و البتّه در ارتباط با چنین مقاماتی، چهارده معصوم علیهم السلام در یک مرتبه و درجه می‌باشند؛ چون «نور واحد» هستند؛ و تفاوتها و اختلاف مراتب و تقدیم و تأخیرها مربوط به تنزّلات آن «نور واحد» در عوالم مختلفه امکان است که به صور متعدّده جلوه گر شده‌اند:

يَا زَيْدُ نَحْنُ مِنْ شَجَرَةٍ بَرَأَنَا اللهُ مِنْ طِينَةٍ وَاحِدَةٍ، فَضَلُّنَا مِنْ اللهِ، وَعِلْمُنَا مِنْ عِنْدِ اللهِ، وَنَحْنُ أَمْنَاءُ اللهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَالدُّعَاةُ إِلَى رَبِّهِ، وَالْحُجَابُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، أَزَيْدُكَ يَا زَيْدُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ عليه السلام: خَلَقْنَا وَاحِدًا، وَعِلْمُنَا وَاحِدٌ، وَفَضْلُنَا وَاحِدٌ، وَكُلُّنَا وَاحِدٌ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي بَعْدَ تَكْوِينِكُمْ، فَقَالَ عليه السلام: نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ - هَكَذَا - حَوْلَ عَرْشِ رَبِّنَا جَلَّ وَعَزَّ فِي مُتَعَدِّ خَلْقِنَا، أَوْلْنَا مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله وسلم، وَأَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله وسلم، وَآخِرْنَا مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله وسلم ۱.

ترجمه: (بعد از آنکه زید شحام از حضرت امام صادق عليه السلام می‌پرسد که: کدام یک از امام حسن یا امام حسین علیهم السلام مقامشان بالاتر است، و امام عليه السلام بگونه‌ای مجمل جواب او را

۱. غیبت نعمانی، ص ۸۵، ح ۱۶؛ و نیز مراجعه شود به: اصول کافی: ج ۱، ص ۲۷۵، باب فی أنّ الأئمة عليهم السلام فی العلم والتّسجاعة والطّاعة سواء.

می‌فرمایند، سپس از حضرت تقاضای توضیح بیشتری را می‌نماید، امام علیه السلام در مقام بیان این مطلب که: اگر به جنبه نوری ما نظر نمائی یکی هستیم، ولی اگر به تنزلات و جنبه ظهورهای مختلفی که در عوالم گوناگون داشته‌ایم توجه بنمائی، هر یک از ما دارای فضیلت مخصوص به خودش می‌باشد، چنین می‌فرمایند: (ای زید، ما از درختی هستیم که خداوند ما را از یک سرشت آفریده، (کمالات ما همه به عطای پروردگار بوده، و جمیع سرمایه‌های وجودی را از او تبارک و تعالی داریم، به دیگر بیان: در همه چیز به او فقط محتاجیم، و در هیچ چیز به هیچ کس نیازی نداریم، پس) هر چه برتری نسبت به هر موجودی داریم از خداوند است، و دانش ما از علم نامتناهی حضرت حق سرچشمه می‌گیرد، و ما امینان پروردگار بر خلق هستیم، و ما هستیم که مردم را به دین خدا و راه و روشی که او برای بندگانش پسندیده (بدون کم و کاست) می‌خوانیم، و ما واسطه بین خداوند و مخلوقات هستیم، آیا بیش از این برایت تفصیل دهم؟ زید عرضه داشت: بلی، پس حضرت فرمودند:

(خلقت ما یکی است، علم ما یکی است، در مقام برتری بر دیگران یکی هستیم، و همه ما نزد خداوند عز و جل یکی هستیم).

زید می‌گوید عرضه داشتم: به من از تعداد خودتان خیر دهید؟ حضرت فرمودند: ما دوازده نفر هستیم - که دایره‌وار - برگرد عرش پروردگارمان (در ابتدای خلقت ظهوری و تکثری) برگرد عرش بودیم (و دوازده نفر بودن ما امری جدید و

بی‌ارتباط با عوالم گذشته نیست. و در نتیجه مقامی که زبیده ما دوازده نفر است، دیگری را نمی‌سزد که متعرض آن مقام شده، و آن را به غصب از ما بر باید)، (ولی باید بدانی که در عین اینکه به صورت دوازده نفر جلوه‌گر می‌شویم ولی هنوز هم مقام نورانیت واحدۀ ما که حاکم بر جنبۀ ظهورات متعدده ماست بر جای خود باقی است، پس: (اولی ما چونان رسول خدا ﷺ است، و وسطی ما نیز مانند پیامبر ﷺ است، و آخری ما هم آئینۀ تمام نمای محمد ﷺ است).

و از آنچه بیان شد ظاهر می‌شود که غیبت و حضور در مقام «ولایت تکوینی» امام علیه السلام، و مدخلیتی که وجود مقدّسش در به ثمر رسیدن ممکنات به کمالات لائقۀ خوششان دارد تأثیری ندارد، و در ارتباط با این تصرفات در موجودات و جریان فیوضات ربّانیه از مجرای آن سرور به جمیع ماسوی الله تعالی فرقی بین غیبت و حضور آن حضرت نخواهد بود. و از آن رهگذر که نفس محبتش، محبت خداوند متعال بوده و مایه قرب به بارگاه قدس ربوبی است - همچنانکه بیان شد - و نیز از طرفی معلوم است که محبت، از معرفت نشأت می‌گیرد، و هر چه معرفت بیشتر باشد، محبت افزونتر می‌گردد، پس بجاست که انسان همه آنچه را داراست بر سر این بازار قرار دهد تا تجارتی سراسر سود نموده، و خسران و زیان ابدی گریبانش را نگیرد، چرا که زیان در این مسیر به هیچ وجه قابل تدارک و جبران نمی‌باشد.

باید این وجود نازنین که همه ممکنات همه دارائیشان را از او دارند، و رهین منت‌ها و بخشش‌های بی‌شائبه او هستند را شناخت، و به برکت

این شناخت و معرفت نسبت به نقشی که در عالم امکان از طرف خداوند متعال دارد، رشته ارتباط را مستحکم نموده، و خانه ویرانه دل را به گنج محبتش آباد گردانید، و معلوم است که چنین محبتی که زائیده معرفت باشد، تبعیت و فرمانبرداری بدون چون و چرا از محبوب را به دنبال خواهد شد، پس در راه انجام وظائف و تکالیفی که مطلوب آن سرور است - که مطلوبش، مطلوب خدای تعالی است - ذره‌ای توانی و سستی به خرج نداد، و همین است سر آنکه حضرت امام صادق علیه السلام در جواب جناب ابی بصیر که از حلول زمان ظهور دولت حقّه الهیه از آن حضرت می‌پرسد چنین می‌فرماید:

مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ.<sup>۱</sup>

ترجمه: کسی که شناخت و علم تفصیلی به ولایت ما اهل بیت علیهم السلام پیدا کرد، پس به تحقیق به سبب همان انتظاری که برای ظهور دولت حقّه می‌کشد فرج برایش حاصل، و از برکات وجود امام علیه السلام منتفع است.

و نیز حضرتشان به صحابی جلیل القدر جناب زراره چنین می‌فرمایند:

إِعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخَّرَ.<sup>۲</sup>

ترجمه: معرفت و دانش تفصیلی به امام خود پیدا کن، پس

۱. اصول کافی: ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۳.

۲. اصول کافی: ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱.

بدرستیکه پس از تحصیل معرفت نسبت به امام علیه السلام - و آگاهی از نقش سازنده‌ای که در به ثمر رسیدن موجودات کارگاه ایجاد دارد - جلو یا عقب افتادن ظهور دولت حقّه ضرری به تو نمی‌رساند.

### ● کتاب حاضر

و جیره‌ای که در پیش رو دارید بیان بسیار مختصری درباره امامت و خلافت بر حق امام عصر و ناموس دهر، حضرت صاحب الزمان علیه السلام است. آن بزرگواری که سنگینی و ثقل بار رعایت و سرپرستی امت جدّش خاتم الانبیاء علیه السلام، نه، بلکه سرپرستی همه بندگان بر دوش مبارک اوست.

آن سفر کرده‌ای که قافله دل‌های عارفان و جان بر کفان مقدم نورانش به دنبال اوست، و یعقوب وار انتظار وصل آن یوسف آل مصطفی علیه السلام را می‌کشند، و اشک دیدگان‌شان که در هجران آن محبوب القلوب چون باران بهار ریزان است، چشمان‌شان را سفید و کم فروغ کرده است.

آری، این نوشتار فقط راه‌گشای آشنائی با قطره‌ای از دریای بی‌کران و اقیانوس ژرف فضائل و کمالات آن عزیز خداوندگار است، به این امید که توجه در مندرجاتش و دل دادن به آنچه که در این مختصر مسطور است - که چیزی جز آنچه از مکتب اجداد طاهرينش علیهم السلام به ما رسیده نمی‌باشد - روزنه‌ای به سوی شناخت آن آفتاب عالمتاب باشد. قسمت عمده‌ای از آنچه در این کتاب مذکور است، خلاصه‌ای از



مقصد هشتم و نهم کتاب شریف و وزین «حقّ الیقین» علامه عالیقدر  
ملا محمد باقر مجلسی رحمته الله است که با اضافاتی مربوط به سرّ غیبت،  
حقیقت انتظار، شرح بعضی از نامها و القاب آن حضرت، و وظائف  
دوستان و محبینش در زمان غیبت، در اختیار علاقمندان به تحکیم  
ارباط معنوی و قلبی با آن قطب دائرة وجود قرار می‌گیرد.

امید است در این راه از الطاف و عنایات آن سرور محروم نباشیم.

به عنایت نظری کن که من دلشده را

نرود بی‌مدد و لطف تو کاری از پیش

و مجموع مطالب کتاب در ضمن فصولی چند بیان خواهد شد،

انشاء الله تعالی.

قم المشرفة - حرم الائمة علیها السلام

بیستم شعبان المعظم ۱۴۳۱ هجری قمری

دهم مردادماه سال ۱۳۸۹ هجری شمسی

محمد رضا کریمی